



Increase of Contractual Liability: Responding to Intentional Breach of Contract

Ebrahim Abdipour Fard*, Rouhollah Rezaei**

Abstract

Breach of contract, a fundamental concept in legal systems worldwide, leads to the obligor's contractual liability. This liability obliges them to compensate the obligee for losses incurred due to the breach. Whether the breach is intentional or unintentional, it raises complex questions about the extent of the obligor's responsibility and the compensatory measures available to the injured party. This research delves into the intricate nuances of intentional breach of contract, exploring the relationship between intentional breach, foreseeability of damages, and the intensification of contractual liability.

In legal systems globally, the principle of full compensation prevails, emphasizing the obligor's obligation to compensate all losses caused by the breach. However, exceptions exist, such as the non-claimability of damages that were not reasonably foreseeable at the time of contract formation. This exception raises questions about the compensatory rights of the injured party and the moral and ethical implications of intentional wrongdoing.

Intentional breach of contract represents the most severe form of breach, occurring when the obligor refrains from fulfilling the contract with the intention of gaining undue benefits, avoiding losses, or causing harm to the obligee. This deliberate action raises profound legal and ethical questions.

How to Cite: Abdipour Fard, E., Rezaei, R. (2024). Increase of Contractual Liability: Responding to Intentional Breach of Contract, *Journal of Legal Studies*, 15(4), 397-438.

* Prof. Private Law, Faculty of Law, University of Qom, Qom, Iran.

Email: drabdipour@yahoo.com

** Ph.D. Student in Private Law, Faculty of Law, University of Qom, Qom, Iran
(Corresponding Author). Email: rezayilawyer438@gmail.com

Does the intentional nature of the breach warrant an intensified response in terms of contractual liability and compensatory measures?

The hypothesis of this research asserts that intentional breach signifies bad faith, justifying a heightened response. Ethically, intentional wrongdoing deserves a more significant degree of accountability compared to unintentional actions. This moral principle aligns with established legal doctrines, custom, reason, and the wisdom of jurisprudence. When a person intentionally commits an abnormal act, their actions should be treated differently from those of an unintentional person. In the context of contractual liability, this differentiation translates into an intensified liability for intentional breaches.

To validate this proposition, the research employs a descriptive-analytical approach coupled with a comparative study of legal systems, including French law, international legal documents (PECL, DCFR, and CESL), Iranian law, and jurisprudential foundations. By meticulously examining these legal frameworks, the research investigates whether intentional breach of contract justifies claiming unforeseeable damages, a right typically restricted in cases of unintentional breaches.

The findings of the research demonstrate that intentional breach of contract results in an escalation of the obligor's contractual liability. In situations of intentional breach, the injured party can claim unforeseeable damages that would otherwise be unclaimable in cases of normal, unintentional breaches. This legal possibility is unequivocally recognized in various legal systems, including Article 1231-3 of the New French Civil Code, Article III.3:703 DCFR, and Article 9:503 PECL. While the principle of foreseeability of damages generally serves as an exception to the principle of full compensation, intentional breach of contract transcends this limitation. Consequently, the injured party in cases of intentional breach is entitled to claim unforeseeable damages, thus reviving the principle of full compensation.

Furthermore, the ability to claim unforeseeable damages in cases of intentional breach underscores the multifaceted nature of contractual liability. Beyond its primary function of compensating damages arising from breach of contract, contractual liability assumes secondary roles, such as punishment and deterrence. It serves as a form of private punishment, discouraging intentional misconduct and promoting ethical behavior in contractual relationships.

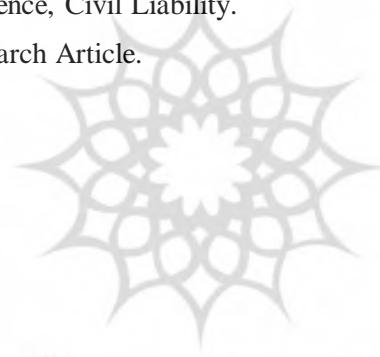
In the realm of Iranian law and Imamyah jurisprudence, while there may be no explicit and universal rule permitting additional damages for intentional breach, specific legal and jurisprudential branches exist where intentional misconduct heightens liability. By adopting the criteria of these

branches, it becomes evident that intensifying liability for intentional breaches harmonizes with jurisprudence and legal foundations, thereby ensuring a just and equitable legal response to intentional wrongdoing.

In conclusion, the research establishes a compelling argument for the intensification of contractual liability in cases of intentional breach of contract. By recognizing the distinctive nature of intentional breaches and the moral principles that underpin legal doctrines, legal systems can uphold justice, accountability, and fairness in contractual relationships. The ability to claim unforeseeable damages in cases of intentional breach not only ensures full compensation for the injured party but also serves as a powerful deterrent against intentional misconduct, reinforcing the integrity of contractual agreements and promoting ethical conduct in the realm of commerce and law.

Keywords: Foreseeability of Damages, Increasing of Liability, Intentional Fault, Gross Negligence, Civil Liability.

Article Type: Research Article.



پژوهشکاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مطالعات حقوقی

علمی

تشدید مسئولیت قراردادی؛ پاسخی به نقض عامدانه قرارداد (حقوق فرانسه، استناد حقوقی، ایران و مبانی فقهی)

ابراهیم عبدالبور فرد*، روح الله رضایی**

چکیده

نقض قرارداد، اصولاً موجب مسئولیت مدنی قراردادی متعدد است؛ اما با وجود اصل لزوم جبران کامل خسارات، در اغلب نظام‌های حقوقی محدودیت‌هایی برای پرداخت غرامت شناخته شده است. یکی از مهم‌ترین محدودیت‌ها این است که تنها زیان‌های قابل پیش‌بینی در زمان انعقاد قرارداد، قابل مطالبه‌اند. پژوهش حاضر به روش تحلیلی-تصویفی و با مطالعه تطبیقی به این پرسش پاسخ می‌دهد که آیا عامدانه‌بودن نقض قرارداد می‌تواند توجیهی برای امکان مطالبه خسارات غیرقابل‌پیش‌بینی که در موقعیت‌های نقض عادی قابل مطالعه نیستند، باشد یا خیر؟ برآمده‌پژوهش نشان می‌دهد در مواردی که نقض قرارداد عامدانه است، شرط قابلیت پیش‌بینی ملغی شده و به دنبال آن اصل جبران کامل احیا می‌شود و درنتیجه حتی خسارات غیرقابل‌پیش‌بینی نیز قابل مطالبه می‌شوند. این امر که به معنای تشدید مسئولیت قراردادی و بر پایه‌های اخلاقی استوار است، در برخی نظام‌های حقوقی ملی و استناد حقوقی بین‌المللی مورد پذیرش قرارگرفته است. در حقوق ایران و فقه امامیه نیز هرچند قاعده کلی در این رابطه نمی‌توان یافت، اما فروعات مختلفی وجود دارند که در آن‌ها خطکاری عامدانه مرتکب، تشدید ضممان وی را به دنبال دارد.

واژگان کلیدی: پیش‌بینی خسارت، تشدید مسئولیت، تقصیر عمدى، تقصیر سنگین، مسئولیت مدنی
نوع مقاله: مقاله پژوهشی.

* استاد، حقوق خصوصی، دانشکده حقوق، دانشگاه قم، قم، ایران.
Email: drabdipour@yahoo.com

** دانشجوی دکتری، حقوق خصوصی، دانشکده حقوق، دانشگاه قم، قم، ایران (نویسنده مسئول)
Email: rezayilawyer438@gmail.com

سرآغاز

عدم اجرای قرارداد^۱ به لحاظ منشأ بر دو گونه است؛ گاه حادثه‌ای خارجی و غیرقابل انتساب به متعهد باعث می‌شود وی قادر بر اجرای مفاد قرارداد نباشد و گاهی عملی نشدن قرارداد متنسب به خود متعهد و به واسطه تقصیر اوست (Sanhouri, 2012: 478). در مواردی که عملی نشدن قرارداد متنسب به خطای متعهد است، خود بر دو گونه است (Katouzian, 2013: 63; Shahidi, 2018: 138). گاه متعهد عالمًا و عامدًا وظایف قراردادی خود را ترک کرده و به عبارت بهتر عمداً از ایفای تعهدات خود امتناع می‌کند و گاه دیگر، هرچند تعمد و سوءنیتی در عدم ایفای تعهدات خود ندارد، اما اجرا نشدن قرارداد درنتیجه سهل‌انگاری و بی‌ambilati اوست. در مواردی که عدم اجرا متنسب به متعهد است (به دلیل تقصیر عمدى یا غیرعمدى) در حقیقت «نقض قرارداد» اتفاق افتاده است (Katouzian, 2018: 138). پس مسلم اینکه نقض قرارداد ممکن است عامدانه یا غیرعمدى باشد.^۲ پیش‌ازاین در رابطه با مفهوم نقض عامدانه قرارداد و مؤلفه‌های تشکیل دهنده آن به تفصیل سخن گفته شده است (Rezaei, 2017: 135-160). در این پژوهش، فرض بر این است که نقض عامدانه قرارداد در مواردی اتفاق می‌افتد که متعهد به قصد نیل به نفع بیشتر یا اجتناب از تحمل زیانی که در صورت اجرای صحیح و کامل قرارداد از آن نفع محروم یا متحمل آن زیان می‌شد یا صرفاً برای ایراد ضرر به متعهد له، از اجرای تعهدات قراردادی خود امتناع می‌ورزد (Rezaei, Abdipourfard & Nematollahi, 2017: 137).

۱. در لسان قانون مدنی جدید فرانسه L'irréalisation du contrat et در لسان کامن‌لایی contractual obligations.

۲. در حقوق خارجی برای اشاره به عامدانه بودن نقض از اوصافی چون intentional, opportunistic, willful و premeditated استفاده می‌شود. برای عدم اجرای غیرعمدى نیز عمدتاً اصطلاح bad faith inadvertedent بکار می‌رود.

در هر نظام حقوقی، شیوه‌های جبران مختلفی از قبیل اجرای الزامی تعهد، اجرای مورد تعهد توسط ثالث یا معهد له و به هزینه معهد، پرداخت خسارت پولی به زیان دیده و نهایتاً فسخ قرارداد، در واکنش به نقض قرارداد پیش‌بینی شده است. در این رابطه مهم‌ترین تفاوت بین دو رویکرد اصلی موجود این است که در نظام‌های کامن‌لایی پرداخت خسارت (پولی)^۱-اصولاً خسارت انتظار- شیوه جبران اصلی است^۲ و صرفاً به طور استثنائی و در مواردی که پرداخت خسارت برای جبران زیان‌های زیان دیده کافی نباشد، اجرای عین تعهد قابل مطالبه است (Halson & Campbel, 2019: 25؛ Rowan, 2012: 183)؛ اما در نظام‌های حقوق نوشته مانند فرانسه، آلمان و ایران، نخستین و اصلی‌ترین شیوه جبران، اجرای الزامی تعهد^۳ است و پرداخت خسارت جنبه ثانویه دارد. به طورکلی، در مواردی که اجرای تعهد غیرممکن بوده یا هزینه اجرا برای معهد عدم تناسب فاحشی با نفع حاصل از قرارداد، داشته باشد یا اینکه به دلیل شخصی بودن مورد تعهد امکان اجرای آن به وسیله دیگری وجود نداشته باشد، نوبت به شیوه جبرانی پرداخت خسارت می‌رسد (Auber et Dutilleul, 2011: 134). در این نظام‌ها خسارات قابل مطالبه به «خسارت مثبت» و «خسارت منفی» تقسیم می‌شوند (Markesinis, 2006: 451) که به ترتیب معادل خسارت انتظار و خسارت اعتماد در نظام‌های کامن‌لایی است (Hutchison, 2004: 55؛ Harker, 1994: 17).

۱. باید توجه داشت که در لسان حقوقی دو اصطلاح *Damages* و *Damage* بار معنایی متفاوتی دارند (Samuel, 2001:175). این واژه در شکل مفرد خود (*Damage*) به معنای خسارت یا زیان است، اما در شکل جمع (*Damages*) به مفهوم مبلغی است که برای جبران خسارات ناشی از نقض قرارداد یا ضمان قهری به زیان دیده پرداخت می‌شود (Garner, 2019: Damages).

۲. در نظام کامن‌لا و بعویظه ایالات متحده سه معیار برای پرداخت خسارت وجود دارد: خسارت انتظار، خسارت اعتماد و خسارت استرداد. برای مطالعه تفصیلی این سه نوع خسارت بنگرید: (Nematollahi & Rezaei, 2021: 83 ff و Nematollahi, 2018: 163-189).

۳. در قانون مدنی فرانسه *execution forcée* و در لسان قانون مدنی آلمان *Erfüllungsinteresse*

۴. مفاد ماده ۱۲۲۱ قانون مدنی جدید فرانسه؛ ماده ۲۴۱ قانون مدنی آلمان و مواد ۲۳۷ و ۲۳۸ قانون مدنی ایران.

در کامن‌لا مسئولیت قراردادی وابسته به تقصیر متعهد نیست، زیرا در آنجا مسئولیت قراردادی یک مسئولیت محض است (Peel & Treitel, 2016: 834)؛ اما در کشورهای حقوق نوشه، نقض قرارداد با جمع شرایط لازم (ازجمله تقصیر قراردادی، ورود زیان و رابطه سبیت) مسئولیت قراردادی متعهد را به دنبال دارد (Safai, 2020: 228). در اینجا مسئولیت قراردادی، به معنای التزام متعهد به جبران خساراتی-خسارات مثبت- است که درنتیجه نقض قرارداد به متعهد له وارد می‌شود (Katouzian, 2018: 132)؛ بنابراین، کارکرد اصلی مسئولیت مدنی قراردادی جبران زیان‌هایی است که درنتیجه نقض قرارداد بر متعهد له وارد شده و علی القاعده هیچ خساراتی نبایستی جبران نشده باقی بماند؛ به گونه‌ای که متعهد له در همان وضعیتی که در صورت اجرای قرارداد پیدا می‌کرد، قرار گیرد (Katouzian, 2018: 217). بالاین‌همه، در اغلب نظام‌های حقوقی، برخی محدودیت‌های قانونی ازجمله شرط قابلیت پیش‌بینی خسارات، باعث می‌شود بعضی زیان‌های ناشی از نقض، اگرچه خسارت مستقیم باشد، به عنوان زیان‌های غیرقابل‌پیش‌بینی، قابل جبران نباشند. پرسش اصلی پژوهش ما این است که آیا چنین محدودیتی در همه انواع نقض قرارداد اعم از عمدى و غیرعمدى موجه است؟ آیا عامدانه بودن نقض می‌تواند از باب تشدید مسئولیت قراردادی متعهد، منجر به قابلیت مطالبه خسارات غیرقابل‌پیش‌بینی نیز شود؟

در نظام‌های حقوقی مختلف، برای نقض عامدانه قرارداد، به دلیل شدت تقصیر و خطکاری متعهد ناقض، آثار متعددی شناخته شده است؛ آثار منحصر به فردی که در موقعیت‌های نقض غیرعمدى، مانندی ندارد. یکی از مهم‌ترین آثار کاربردی نقض عامدانه که فرضیه پژوهش حاضر است، تشدید مسئولیت قراردادی متعهد و لزوم جبران کامل خسارات بدون توجه به شرط قابلیت پیش‌بینی خسارت است. به عبارت روشن‌تر، اگر نقض قرارداد عامدانه باشد، متعهد له ناکام می‌تواند خسارات غیرقابل‌پیش‌بینی ناشی از نقض را نیز طلب کند. در ادامه پس از مروری مختصر بر اصل جبران کامل و مهم‌ترین استثنای آن یعنی قابل‌پیش‌بینی بودن خسارات، به بررسی

عینی تأثیر نقض عامدانه بر امکان مطالبه خسارات غیرقابل پیش‌بینی در حقوق فرانسه و استناد بین‌المللی پرداخته و در نهایت به بررسی موضوع در حقوق ایران و توجیه آن بر اساس مبانی فقهی در بخش چهارم مقاله خواهیم پرداخت.

۱. اصل جبران کامل خسارات و محدودیت‌های آن

مسئولیت قراردادی که در پی نقض تعهد به وجود می‌آید، ماهیتاً یک حکم وضعی است که لزوم جبران خسارات واردہ بر متعدد له را که یک حکم تکلیفی است، به دنبال دارد. حال پرسش این است که طرف ناقض تا چه میزان بایستی از زیان‌دیده جبران خسارت کند؟ اصل این است که تمامی زیان‌های ناشی از نقض مورد جبران قرار گیرند (Katouzian, 2018: 217) (ماده ۱۱۴۹ ق.م)، آلمان (ماده ۲۴۹ ق.م)، ایتالیا (ماده ۱۲۲۳ ق.م)، اسپانیا (ماده ۱۱۰۶ ق.م)، پرتغال (ماده ۵۶۴ ق.م)، سوئیس (ماده ۱۳۲۳ قانون تعهدات) و هلند (ماده ۶:۹۶ ق.م) موردنظر قرارگرفته (Schlechtriem & Schwenzer, 2016: 1059)، به اصل «جبران کامل»^۱ مشهور است (Rowan, 2012: 117; Babaei, 2005: 62). در نظام‌های کامن‌لایی و بهویژه حقوق انگلستان نیز از یک سو بسیاری از نویسندها به وجود این اصل اذعان دارند (Burrows, 2004: 16-18) و از سوی دیگر در این نظام‌ها دسته‌بندی‌های دقیقی از خسارات ناشی از نقض قرارداد وجود دارد که در آن‌ها تقریباً تمامی انواع خسارات شناسایی شده و امکان جبران آن‌ها به رسمیت شناخته شده است (Perillo, 2014: 521). در حقوق تجارت بین‌الملل، در استناد مهمی همانند کنوانسیون ۱۹۱۰ وین (ماده ۷۴)، پی‌ای‌سی‌ال (مواد ۹:۵۰۲ و ۹:۵۰۳)، پی‌آی‌سی‌سی (بند ۱ ماده ۷-۴-۲) و سی‌ای‌اس‌ال (مواد ۱۶۰ و ۱۶۱) نیز مقررات مربوط به جبران خسارت بر مبنای همین اصل پایه‌ریزی شده‌اند (Penadés & Velencoso, 2015: 252). برای مثال، بند

1. The Principle of Full Compensation.

۱ ماده ۷-۴ اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی با عنوان جبران کامل^۱ بیان می‌دارد: «زیان‌دیده در قبال زیان‌های واردۀ درنتیجه عدم اجرای قرارداد مستحق جبران کامل است» (Akhlaghi, 2017: 345).

حقوقدانان فرانسوی بر اساس این اصل مسلم، هر نوع آسیبی به حقوق مالی اعم از کسر دارایی ناشی از تلف و نقص عین یا منفعت، خسارات ناشی از عدم‌النفع، خسارات صرفاً مالی و اقتصادی، صدمات بدنی و درد و رنج ناشی از آن، تغوبیت رفاه و آسایش زندگی و صدمه به آبرو و دیگر حقوق مربوط به شخصیت از قبیل نام و اسرار زندگی خصوصی را به‌طور موسوعی قابل جبران دانسته‌اند (Rowan, 2012: 126). البته در سایر کشورها اصل جبران کامل با این کلیت و گستردگی کمتر به رسمیت شناخته شده و نوع و میزان خسارات قابل جبران با در نظر گرفتن عوامل مختلفی تعیین می‌شود. برای مثال در نظام حقوقی ایران که این اصل در دکترین حقوقی امری مسلم و مقبول دانسته شده،^۲ اما نمی‌توان ادعا کرد این اصل با کلیت و اطلاق خود قابل اجرا است. محدودیت‌هایی مانند قابل مطالبه نبودن عدم‌النفع و بهره، خسارات ناشی از از دست دادن فرصت‌های معاملاتی دیگر و همچنین عدم تمایل محاکم به جبران خسارت معنوی با اصل جبران کامل خسارات ناسازگار به نظر می‌رسد. حتی در خود فرانسه هم که خاستگاه این اصل است، مطلوبیت و کارایی آن با تردیدهایی مواجه شده به‌گونه‌ای که انتقاد برخی نویسنده‌گان را برانگیخته است (Le Tourneau et Cadet, 2010: 605).

در نظام‌های کامن‌لا نیز برای نخستین بار پرونده معروف هدایی^۳ محدودیت‌ها و قیودی را برای مطالبه خسارات به وجود آورد. به‌حال، تردیدی در پذیرش نسبی اصل جبران کامل در نظام‌های مختلف داخلی و اسناد بین‌المللی نیست (Schlechtriem & Schlechtriem, 2010).

1. Full Compensation

۲. با این حال در مجموعه قوانین ایران سخنی از این اصل صراحتاً یا تلویحاً به میان نیامده، هرچند برخی حقوقدانان تلاش کرده‌اند تا از مفاد برخی قواعد فقهی از جمله لاضر و تسبیب وجود این اصل را به اثبات برسانند.

3. Hadley v Baxendale (1854).

1058 (Schwenzer, 2016). مقتضای چنین اصلی این است که تمامی انواع خسارات حاصل از نقض قرارداد قابل جبران دانسته شوند (Jordain, 2013: 221). با وجود این اغلب نظامهای حقوقی پذیرفته‌اند که گستره خسارات قابل مطالبه در اثر نقض قرارداد بایستی همراه با قیود و محدودیت‌هایی باشد. این محدودیت‌ها از مجاری مختلفی مثل محدود کردن خسارت قابل مطالبه با توجه به تقصیر متعهد و درجه آن، نقش زیان‌دیده در بروز خسارت، دوری و نزدیکی زیان و لزوم قابل پیش‌بینی بودن خسارات، اعمال می‌شوند. بر این اساس همان‌طور که برخی حقوقدانان گفته‌اند: «جبران خسارتی که حقوق در نظر دارد به ندرت زیان‌های عهده‌شکنی را به‌طور کامل از بین می‌برد؛ به کمال نمی‌رسد ولی تمایل به آنسو دارد و به تقریب، معادل آن است» (Katouzian, 2018: 217).

بنابراین، قابل پیش‌بینی بودن خسارات قابل مطالبه یکی از مهم‌ترین قیود اصل جبران کامل خسارت در بسیاری از نظامهای حقوقی اعم از حقوق نوشته و کامن‌لایی است (Shoarian, 2017: 871).^۱ به تعبیر دیگر، قاعده قابلیت پیش‌بینی خسارت یکی از استثنایات اصل جبران کامل است. این قاعده نیز همانند اصل جبران کامل، ریشه در حقوق فرانسه دارد. نویسنده‌گان قانون مدنی فرانسه با الهام از آراء پوتیه و دوما در سال ۱۸۰۴ این قاعده را در قانون مدنی جای دادند.

مفاد قاعده قابلیت پیش‌بینی خسارات در نظامهای کامن‌لایی به‌ویژه حقوق انگلستان نیز موردنپذیرش قرار گرفته که البته از حقوق فرانسه اقتباس شده است. در حقیقت برای اولین بار در سال ۱۸۵۴ در پرونده رویه ساز هدایی قضاط (دادگاه تجدیدنظر) با اشاره به ماده ۱۱۵۰ قانون مدنی فرانسه، قاعده مندرج در آن را قاعده‌ای معقول دانسته و در رأی نهایی خود بدان استناد کردند (Zimmermann, 2014: 202). در استناد حقوقی بین‌المللی مهم راجع به حقوق قراردادها (ماده ۷۴ کنوانسیون وین؛ ماده

۱. در برخی کنوانسیون‌های راجع به حقوق حمل و نقل بین‌المللی از جمله کنوانسیون وارسا و سی‌ام‌آر نیز این محدودیت پذیرفته شده است.

۷-۴-۴ بجای سی سی؛ ماده ۹:۵۰۳ پایی سی ال و مواد ۱۶۰ و ۱۶۱ سی ای اس ال) نیز قابلیت پیش‌بینی به عنوان یکی از محدودیت‌های جبران خسارت پذیرفته شده است (Schlechtriem & Schwenzer, 2016: 101).

تفاوتی که بین رویکرد کامن‌لایی و نظام حقوق نوشته در این خصوص وجود دارد، این است که معیار قابلیت پیش‌بینی در رویکرد نخست، پیش‌بینی طرفین است در حالی که در کشورهای رومی-ژرمنی آنچه مهم است پیش‌بینی متعهد است (Saidov, 2008: 102; Penadés & Velencoso, 2015: 254). برخی نویسنده‌گان (فرانسوی) مبنای معقولیت این قاعده را در حاکمیت اراده متعاقدين جستجو می‌کنند. به عقیده ایشان منشأ مسئولیت متعهد در نقض قرارداد قصد وی در پذیرش اجرای تعهدات در هنگام انعقاد قرارداد و با توجه به منافع و حقوقی که از آن قرارداد کسب می‌کند و همچنین وظایفی که قرارداد بر وی تحمیل می‌کند، است. بر همین اساس هیچ‌گونه تعهد و تکلیفی را که در زمان انعقاد قرارداد برای او قابل پیش‌بینی نبوده و از حوزه اراده او خارج بوده، نمی‌توان بر وی تحمیل کرد (Laure Rassat, 1996: 116; Jordain, 2013: 226).

به هر روی، پرسشی که در رابطه با قاعده قابلیت پیش‌بینی خسارات قراردادی و نقض عامدانه ممکن است به ذهن بیاید این است که آیا اگر ارتکاب نقض قرارداد توسط متعهد عامدانه باشد، باز هم خسارات قابل مطالبه محدود به خسارات قابل پیش‌بینی است؟ آیا زیان‌دیده می‌تواند به دلیل عامدانه بودن نقض، خسارات بیشتری را از جمله خساراتی که در زمان انعقاد قرارداد قابل پیش‌بینی نبوده‌اند، مطالبه کند؟

۲. حقوق فرانسه

در حقوق فرانسه، چه در قانون مدنی و چه در رویه قضایی، عامدانه بودن نقض قرارداد به صراحت موجب قابل مطالبه شدن خسارات غیرقابل پیش‌بینی دانسته شده است.

۱-۳ ماده ۱۲۳۱ قانون مدنی جدید

در حقوق فرانسه، در رابطه با شرط قابلیت پیش‌بینی خسارات، عنصر عامدانه بودن نقض نقش بی‌بدیلی ایفا می‌کند. دیدیم که در حقوق فرانسه نوع و نیز میزان زیان‌های قابل جبران محدود به زیان‌هایی است که در زمان انعقاد قرارداد توسط معهد قابل پیش‌بینی باشند (Le Tourneau, 2010: 402)؛ اما به نظر می‌رسد وضعیتی استثنائی را برای نقض عامدانه در این رابطه قائل است؛ تا جایی که در قانون مدنی ماده ویژه‌ای به این امر اختصاص یافته است. در ماده ۱۲۳۱-۳ قانون مدنی (جدید) آمده است: «مدیون تنها در قبال زیان‌هایی مسئولیت دارد که در هنگام انعقاد قرارداد پیش‌بینی شده‌اند یا قابل پیش‌بینی بوده‌اند، مگر در مواردی که عدم اجرای قرارداد ناشی از تقصیر سنتگین یا عمدی او باشد».^۱

با تأمل در این ماده، در خصوص تأثیر عامدانه بودن نقض قرارداد در شیوه‌های جبران قراردادی به نتیجه بسیار قاطع و مستحکمی می‌رسیم. مطابق مقرره فوق، معیار قابلیت پیش‌بینی خسارات، در مواردی که نقض به صورت عامدانه ارتکاب یافته باشد، ملغی شده و از آن پس مسئولیت قراردادی معهد در قبال تمامی تبعات زیان‌بار نقض عامدانه گسترش می‌یابد (Rowan, 2021: 66). در برخی دیگر از کشورهای نظام حقوق نوشه نیز مقررات مشابهی پیش‌بینی شده است. برای نمونه ماده ۱۲۲۵ قانون مدنی ایتالیا مقرر می‌دارد: در مواردی که عدم اجرا یا تأخیر در اجرای تعهد ناشی از تقصیر عمدی معهد نباشد، خسارات قابل مطالبه محدود به خساراتی است که در هنگام ایجاد تعهد قابل پیش‌بینی بوده‌اند (Tafreshi, 2013: 56). در حقوق مصر نیز (ماده ۲۲۱ ق.م.) مقرره مشابهی پیش‌بینی شده است (Sanhouri, 2012: 503). ماده ۱۱۰۷ قانون مدنی اسپانیا نیز در مواردی که رفتار معهد در نقض قرارداد همراه با سوءنیت باشد، وی را

1. Art. 1231-3 – Le ééii terr ” est teuu eee ees oommages et intérêts qui ont été prévus ou qui oovvaiett être prévss lors ee la cocclssion uu cott rat, saff lorsee l'ieeéectt ion est eee à eee faute lourde ou dolosive.

مسئول پرداخت خسارات غیرقابل پیش‌بینی نیز می‌داند. در حقوق اتریش (ماده ۱۳۲۳ ق.م) و سوئیس (ماده III 43، I 99 قانون تعهدات) نیز متعهدی که به صورت عامدانه یا همراه با تقصیر سنگین اقدام به نقض قرارداد می‌کند، مستحق تنبیه با حکم به خسارت‌ای فراتر از موارد نقض غیرعمدی دانسته شده است. در حقیقت دادگاه برای تعیین میزان خسارت قابل پرداخت، می‌تواند «درجه قابلیت سرزنش» طرف ناقض را که درواقع ناشی از سطح تقصیر اوست، مدنظر قرار دهد (Kötz, 2017: 258).

نکته حائز اهمیت در حقوق فرانسه این است که مقرره اصلاحی جدید در مقایسه با مقرره سابق - ماده ۱۱۵۰ - دامنه حکم را گسترش داده است. در حقیقت ماده ۱۱۵۰ سابق صرفاً به نقض عامدانه^۱ اشاره می‌کرد درحالی که ماده اصلاحی علاوه بر نقض عامدانه، تقصیر سنگین^۲ را نیز مشمول حکم خود قرار داده است.^۳

به طورمعمول نویسنده‌گان فرانسوی برای نشان دادن یکسانی آثار تقصیر عامدانه و تقصیر سنگین به ضربالمثل قدیمی «culpa lata dolo aequiparatur» استناد می‌کنند؛ به این معنا که تقصیر سنگین معادل با تقصیر عمدی است (Terre et.al, 2019: 904). از این‌رو، پیش از اصلاحات قانونی سال ۲۰۱۶، دکترین حقوقی و رویه قضایی با تفاسیر خود، تقصیر سنگین را نیز مشمول حکم ماده ۱۱۵۰ و در حکم تقصیر عمدی می‌دانستند (Le Tourneau, 2010: 402; Laure Rassat, 1996: 116). دلیل گسترش حکم تقصیر عمدی به تقصیر سنگین بی‌شک این است که دشواری‌های اثبات رفتار عمدی طرف ناقض که جنبه درونی و روان‌شناسی دارد، برطرف شود (Jordain, 2013: 227).

هرچند نویسنده‌گان اصطلاح «dol» مذکور در ماده ۱۱۵۰ را شامل تقصیر سنگین نیز می‌دانستند (Le Tourneau, 2010: 402)، اما این به این معنا نیست که معنای فرانسوی

1. dol

2. faute lourde

3. در ماده ۱۱۵۰ قانون مدنی سابق چنین آمده بود: «مدیون مسئول جبران خسارتی که در هنگام انعقاد قرارداد پیش‌بینی نمی‌کرده یا قابل پیش‌بینی نبوده، نیست مشروط بر اینکه عدم اجرای تعهد ناشی از تقصیر عمدی او نبوده باشد».

عامدانه بودن به لحاظ مفهومی دربرگیرنده تقصیر سنگین نیز می‌شود. بر همین اساس مفسرین و محسین قانون مدنی پیشنهاد داده بودند برای رفع این نقیصه اصطلاح «faute» به این ماده افزوده شود (Viney & Jourdain, 2006: 618-626). دامنه مفهوم «dol» در حوزه عدم اجرای قرارداد به طور ماهرانه‌ای توسط رویه قضایی توسعه داده شده تا مفهوم تقصیر سنگین را نیز تحت شمول خود بگیرد (Terre et.al, 2019: 202).

به لحاظ سابقه تاریخی، مدیون تنها زمانی می‌توانست مرتكب نقض عامدانه تلقی شود که قصد وی از این اقدام ایجاد خسارت و زیان بر معهده باشد (Katouzian, 2008: 180). با این حال، در رویه قضایی این تفسیر مضيق از عنصر عمد، در سایه قرارگرفته است. بر اساس تفسیر دیوان عالی فرانسه، نقض قرارداد وقتی عامدانه محسوب می‌شود که مدیون به طور آگاهانه و به دلخواه تصمیم به عدم ایفای تعهدات قراردادی خود می‌گیرد (Jordain, 2013: 98). علاوه بر این دکترین حقوقی فرانسه نیز این معنا را تأیید کرده و معتقدند که نبایستی خواستن نتیجه^۱ را در مفهوم عامدانه بودن داخل کرد (Terre et.al, 2019: 901؛ در حقیقت همین که معهده آگاهانه و به دلخواه از ایفای تعهدش شانه خالی می‌کند بدین منظور کفايت می‌کند (Rowan, 2021: 66)؛ به عبارت دیگر، «عمد» صرف آگاهانه بودن خودداری معهده از انجام تعهد است هر چند نتایج نقض را نخواسته باشد (Shahidi, 2013: 252). برای مثال، همین که انگیزه طرف ناقض از ارتکاب نقض تأمین نفع شخصی باشد، برای عامدانه محسوب شدن نقض کافی است (Jordain, 2013: 97).

ماده ۳-۱۲۳۱ قانون مدنی فرانسه یک نمونه صریح از موقعیتی است که در آن عامدانه بودن نقض قرارداد صراحتاً در اعمال یکی از شیوه‌های جبران قراردادی یعنی پرداخت خسارت، دخیل و مؤثر دانسته شده است. این ماده البته جنبه تمثیلی دارد و

۱. برای مثال شعبه یکم مدنی دیوان عالی کشور در رأی مورخ ۴ فوریه ۱۹۶۹ تقصیر عامدانه را این‌گونه تعریف می‌کند: تقصیر عمدی، نقض عمدی یک تعهد قراردادی است اما نه لزوماً به هدف زیان رساندن به طرف قرارداد.

2. intention de nuire

حصری نیست. بر این اساس، در موقعیت‌هایی نیز که متعهد با درج شرط تحدید مسئولیت در قرارداد، مسئولیت خود در قبال عدم اجرا را به خسارات قابل پیش‌بینی محدود کرده است، پس از اثبات عامدانه بودن نقض توسط زیان‌دیده، دیگر نمی‌تواند بر این تحدید مسئولیت تکیه کند (Le Tourneau, 2010: 706).^۱

به نظر می‌رسد، خود قانون مدنی فرانسه تا حدودی درباره تبعات احتمالی این مقرره که ورود خسارات غیرقابل‌پیش‌بینی به حیطه خسارات قابل مطالبه را پس از اثبات عامدانه بودن نقض مجاز می‌داند، نگران بوده است، زیرا امکان مطالبه خسارات غیرقابل‌پیش‌بینی در موارد نقض عامدانه که با یک دست اعطای شده، با دستی دیگر تا حدودی باز پس گرفته شده است؛ مطابق بند ۴ ماده ۱۲۳۱ قانون مدنی «در جایی که عدم اجرای قرارداد ناشی از تعصیر سنگین یا عمدى باشد، خسارات قابل مطالبه صرفاً شامل خسارتی است که نتیجه مستقیم عدم اجرای قرارداد باشند».^۲

پس بر مبنای مواد ۳-۱۲۳۱ و ۴-۱۱۵۰ (سابق) قانون مدنی، در صورت عامدانه بودن نقض قرارداد متعهد له از حق مطالبه خسارات که ممکن است شامل زیان‌های وارده و منافع از دست رفته باشد، برخوردار می‌شود. این خسارات لازم نیست قابل پیش‌بینی باشند، اما لازم است سایر شروط مطالبه خسارت از جمله پیامد بلافصل و مستقیم نقض بودن را دارا باشند.

آنالیز مطالعات فرنگی

پرتال جامع علوم انسانی

۱. در حقوق فرانسه ایده نقض عامدانه قرارداد اغلب در چارچوب اعمال شروط معافیت از مسئولیت بسط و توضیح داده شده است اما به نظر نمی‌رسد مفاد این ماده محدود به این موارد باشد.

2. Art. 1231-4. – Dans le cas même où l'ieeééctt ion uu . ott rat résulte "uee faute lorree.ou dolosive, les dommages et intérêts ne comprennent que ce qui est une suite immédiate et ii recte ee l'ieexéctt io..

ماده ۱۱۵۱ سابق نیز حاوی مقرره‌ای مشابه به این قرار بود:

حتی در مواردی که عدم اجرای توافق به خاطر نقض عامدانه متعهد است، خسارات قابل مطالبه از جمله زیان‌های وارده و منافع از دست رفته، تنها شامل تبعات مستقیم عدم اجرای توافق می‌شوند.

رابطه بین این دو ماده ممکن است در نگاه نخست روشن نباشد. تفاوت بین خسارات قابل پیش‌بینی و پیامدهای بلافصل، تفاوتی ظریف است.^۱ معیار مستقیم بودن بایستی بر یک مبنای مورد به مورد اعمال شود درحالی که قابلیت پیش‌بینی معیاری کلی و نوعی است (Le Tourneau, 1997: 373; McKendrick, 2010: 363).^۲ مقصود از مستقیم بودن زیان این است که بین فعل یا ترک فعل متعهد (نقض قرارداد) و خسارت، حادثه و عامل دیگری وجود نداشته باشد به‌گونه‌ای که خسارت واردہ نزدیک‌ترین نتیجه تخلف از انجام تعهد باشد و امر دیگری واسطه بین ورود خسارت و نقض قرارداد نباشد (Shahidi, 2013: 83) و عرفًا^۳ بتوان گفت زیان از همان فعل ناشی شده است (Katouzian, 2008: 287). البته به این معنا نیست که هیچ‌گونه فاصله و واسطه‌ای در ایراد ضرر وجود نداشته باشد بلکه منظور این است که رابطه سببیت یا استناد عرفی بین نقض تعهد و خسارت واردہ لازم است (Terre et.al, 2019: 926; Safai, 2020: 237).

در حقوق ایران نیز شرط مستقیم بودن ضرر یکی از شروط مطالبه خسارت دانسته شده است. ماده ۵۲۰ قانون آئین دادرسی مدنی (مصوب ۱۳۷۹) در این رابطه صراحت دارد: «در خصوص مطالبه خسارت، خواهان باید این جهت را ثابت کند که زیان واردہ بلاواسطه ناشی از عدم انجام تعهد یا تأخیر آن و یا عدم تسليم خواسته بوده است...». برخی نویسنده‌گان با توجه به این مقرره ادعا کردند که شرط مستقیم بودن و شرط قابلیت پیش‌بینی خسارت یکی هستند و وجود شرط مستقیم بودن خسارت، ما را از شرط قابلیت پیش‌بینی بی‌نیاز می‌کند (Safai, 2020: 238; Movahed, 2018: 327); اما به

۱. به طور معمول حقوق‌دانان برای نشان دادن خسارات مستقیم و غیرمستقیم از مثال پوتیه (فروش گاو بیمار) استفاده می‌کنند. برای مثال بنگرید: (Jordain, 2013: 111; Katouzian, 2018: 218; Shahidi, 2013: 268; Safai, 2020: 235).

۲. در فقه نیز شخصی که بیش از مقدار نیاز خود آتشی می‌افزود، اگر بداند به ملک دیگری سرایت نمی‌کند و عادتاً نیز سرایت نکند، ضمن خسارت ناشی از سرایت آتش نیست؛ بنابراین مسئولیت ناشی از سرایت آتش به ملک غیر منوط به این است که شخص به‌طور متعارف و نوعی توان پیش‌بینی آن را داشته باشد. برای مثال بنگرید: (Mohaqqeq Helli, 1987: 256; Najafi, 1947: 122).

نظر می‌رسد چنین ادعایی قابل پذیرش نباشد، زیرا نخست، به لحاظ رابطه منطقی، ارتباط بین خسارات و خسارات قابل پیش‌بینی نه تساوی، بلکه عموم و خصوص من وجه است؛ چون با لحاظ بندهای ۳ و ۴ ماده ۱۲۳۱ قانون مدنی فرانسه که امکان مطالبه خسارات غیرقابل پیش‌بینی در موارد نقض عامدانه را مقید به مستقیم بودن آن‌ها کرده، می‌توان موردی را تصور کرد که خسارات وارد در عین حال که غیرقابل پیش‌بینی هستند، ارتباط مستقیم با نقض قرارداد داشته باشند و بر همین اساس قابل مطالبه نیز باشند. دوم، اگر دو قید مستقیم بودن و قابل پیش‌بینی بودن را متراffد بدانیم، این امر با نص دو بند قانونی فوق که این دو شرط مجزا برای خسارات قابل مطالبه دانسته‌اند، آشکارا در تعارض است. در صورت یکسان بودن این دو، ماده ۱۲۳۱ قانون مدنی مؤدی به این معنا می‌شود که: اگر نقض قرارداد عامدانه باشد، خسارات غیرقابل پیش‌بینی در صورتی قابل مطالبه هستند که قابل پیش‌بینی باشند!

پس مفاد ماده ۱۲۳۱ این است که برای مطالبه خسارات ناشی از نقض قرارداد در موارد عادی، وجود هر دو شرط ضروری است اما در موارد نقض عامدانه شرط قابلیت پیش‌بینی ملغی می‌شود اما شرط مستقیم بودن خسارات همچنان به قوت خود باقی است؛ به عبارت دیگر، حتی در مورد یک نقض عامدانه، متعهدله ممکن است نتواند در قبال هرگونه پیامد منفی محتمل از نقض قرارداد طلب خسارت کند، در صورتی که آن پیامد دور و غیرقابل پیش‌بینی باشد. بر همین اساس، رویه قضایی فرانسه نیز با اتخاذ یک برداشت موسع و نوعی از غیرقابل پیش‌بینی بودن خسارات، این امکان را فراهم کرده تا برخی از آن‌ها را مستقیم و برخی دیگر را غیرمستقیم اعلام کند (Souleau, 1979: 284). به بیان بهتر، زیان‌های قابل پیش‌بینی همواره مستقیم هستند (Terre et.al, 1979: 927) اما عکس آن صادق نیست و این‌طور نیست که زیان‌های غیرقابل پیش‌بینی همیشه غیرمستقیم باشند. به عبارت فنی‌تر، شرط لزوم مستقیم بودن خسارات حتی در مواقعی که خسارات غیرقابل پیش‌بینی به دلیل نقض عامدانه قابل مطالبه هستند، بیانی

دیگر از شرط وجود رابطه سببیت بین ضرر و تقصیر طرف ناقض است (Terre et.al, 2019: 296).

نویسنده‌گان فرانسوی معتقدند توسعه قلمرو اصطلاح «dol» به سایر موقعیت‌ها غیر از موقعیت‌های قصد ایراد زیان عمدى، به این دلیل به وسیله دادگاه‌ها مورد پذیرش قرار گرفته که تعریف بسیار مضيق نخست (قصد ایراد زیان به معهد له)، عملًا جایی برای اعمال ماده ۱۱۵۰ قانون مدنی نمی‌گذاشت. شروح و تفاسیر مربوط به این ماده به این نکته اشاره می‌کنند که به‌ندرت پیش می‌آید که یک طرف صرفاً به خاطر ایراد زیان به‌طرف دیگر، تصمیم به عدم ایفای تعهدات بگیرد؛ گذشته از این‌که اثبات چنین موقعیتی بسیار دشوار است. در حقیقت، دلیل نقض قرارداد غالباً یک دلیل خودخواهانه و منفعت طلبانه است، زیرا طرفی که مرتکب نقض عادمانه می‌شود با لحاظ کردن خسارت احتمالی که باید در قبال نقض قرارداد پرداخت کند، برای خود منفعتی را در پرتو نقض پیش‌بینی می‌کند. برای چنین موقعیت‌هایی، مقرره‌ای مثل ماده ۱۲۳۱-۳ قانون مدنی (۱۱۵۰ سابق)، باید به لحاظ منطقی جهت دستیابی به امکان مطالبه خسارات غیرقابل‌پیش‌بینی در دسترس باشد (Le Tourneau, 2010: No3513).

مطابق این تعریف، اصطلاح «dol» کمایش به عنوان نقیضی برای اجرای با حسن‌نیت قرارداد محسوب شده است. قصد ایراد خسارت ممکن است وجود نداشته باشد، اما در اینجا یک تصمیم حساب و کتاب شده برای عدم اجرای قرارداد وجود دارد. مطابق این ماده، وجود یک «dol» بر محدودیت قانونی قابل‌پیش‌بینی بودن بر روی شیوه جبرانی پرداخت خسارت، فائق می‌آید. در حقیقت، چنانکه پیشتر گفتیم، شرط قابل‌پیش‌بینی بودن استثنائی بر اصل جبران کامل خسارت است که زیان‌های غیرقابل‌پیش‌بینی را از تحت این اصل خارج می‌کند؛ اما عامدانه بودن نقض قرارداد که درواقع می‌توان گفت استثناء است، موجب می‌شود که اصل جبران کامل دوباره احیاء شود (Laure Rassat, 1996: 116) و بر همین اساس خسارات

غیرقابل پیش‌بینی نیز که در حالت عادی قابل جبران نیستند، قابل مطالبه می‌شوند (Jordain, 2013: 99).

هدف از مجاز دانستن مطالبه خسارات غیرقابل پیش‌بینی در موارد نقض عامدانه، از یکسو تنبیه طرف ناقض به خاطر ارتکاب اضرار عمده و از سوی دیگر بازداشت متعهدین بالقوه از اقدام به چنین نقض‌هایی در آینده است. در حقیقت، هرچند کارکرد اصلی مسئولیت قراردادی جبران زیان است اما حقوق‌دانان فرانسوی عموماً متفق‌القول‌اند که مقصود از مسئولیت مدنی صرفاً جبران زیان نیست، بازدارندگی و سزا دهی نیز دو کارکرد بالقوه مسئولیت مدنی و بخشی جدایی‌ناپذیر از چارچوب حقوق جبران‌ها در حقوق خصوصی به حساب می‌آیند (Carval, 1995: 18). تردیدی نیست که برخی سازوکارهایی که به لحاظ فنی به حقوق مسئولیت تعلق داشته یا دست‌کم به نوعی بدان مرتبط‌اند اصولاً در صدد جبران زیان نیستند بلکه هدف اصلی آن‌ها تنبیه عامل زیان است (Rowan, 2021: 72).^۱ بر این اساس، مسئولیت مدنی نه فقط به عنوان جبران غرامت، بلکه به عنوان شکلی از مجازات خصوصی^۲ عمل می‌کند (Koziol & Wilcox, 2009: 56). عنصر سزاده‌ی در مسئولیت قراردادی به وسیله نویسنده‌گان قانون مدنی فرانسه (۱۸۰۴) تحت عنوان «تجسمی عالی از ملاحظات اخلاقی در الزام اشخاص به ایفای تعهداتی که بر عهده گرفته‌اند» توصیف شده است (Rowan, 2021: 65). بر این اساس، ماده ۱۲۳۱ قانون مدنی جدید فرانسه شاهدی بر این مدعاست که در حقوق این کشور پرداخت خسارت می‌تواند به عنوان چیزی بیش از جبران غرامات زیان‌دیده از نقض عمل کند.

۱. این کارکردهای ثانویه مسئولیت قراردادی را می‌توان در امکان مطالبه خسارات غیرقابل پیش‌بینی در قبال نقض عامدانه، بی‌اعتباری شروط معافیت از مسئولیت در موارد نقض عامدانه، شروط کیفری و جرمیه اجراء (Astreinte) ملاحظه کرد.

2. *peine privée*

مفاد ماده ۱۲۳۱-۳ قانون مدنی (۱۱۵۰ سالبی) و ارجاع صریح آن به «dol» در ارتباط با ایفای تعهدات قراردادی متعاقباً در تعدادی از پرونده‌های قضایی معکس شده است. پیش از بررسی و تحلیل برخی از این نمونه‌ها ذکر این نکته ضروری است که برخی از این پرونده‌ها حاوی شرط محدودکننده مسئولیت به خسارات قابل پیش‌بینی بوده‌اند. اگر قربانی نقض بتواند اثبات کند که نقض قرارداد عامدانه بوده است، مطابق ماده ۱۲۳۱-۳ قانون مدنی شرط موردنظر قابل تمسمک نخواهد بود (Terre et.al, 2019: 951).

۲-۲. پرونده نصب کف‌پوش ارزان‌قیمت

یک نمونه عینی از پیوند بین نقض عامدانه و امکان مطالبه خسارات غیرقابل‌پیش‌بینی در پرونده‌های قضایی عبارت است از پیمانکاری که برخلاف مشخصات قراردادی، اقدام به نصب کف‌پوشی با کیفیت پائین می‌کند. پیمانکار به سادگی از بی‌اطلاعی مالک نسبت به این موضوع سوءاستفاده می‌کند.^۱ وی بدون اطلاع دادن به مالک، کف‌پوش از نوع مقرر در قرارداد را با نوع دیگری که از کیفیت پائین‌تری برخوردار است جایگزین می‌کند. این جایگزینی و تغییر عامدانه بر ثبات و استحکام ساختمان تأثیر می‌گذارد. در این پرونده دو پرسش دارای اهمیت بود. نخستین اینکه آیا این نوع از نقض قرارداد یک نقض عامدانه در مفهوم ماده ۱۱۵۰ قانون مدنی (سابق) محسوب می‌شود یا خیر و دومین پرسش این بود که عامدانه محسوب شدن این نقض به لحاظ ضمانت اجرا چه تبعاتی می‌تواند داشته باشد.

به عقیده کورنو^۲ که این پرونده را مورد تحلیل قرار داده است، قصد ایراد زیان برای عامدانه محسوب شدن این نوع نقض ضرورتی ندارد؛ بنابراین یک انحراف حرפה‌ای و عامدانه از مفاد قرارداد بدون قصد آسیب به طرف دیگر، اما همراه با انگیزه و

۱. مجله سه‌ماهه حقوق مدنی (*revue trimestrielle de droit civil*)، ۱۹۷۷، ص ۷۸۵. پرونده فوق در دادگاه تجدیدنظر شهرستان دوای (Douai) فرانسه مورد رسیدگی قرارگرفته است.

2. Cornu

به هدف دستیابی به یک نفع مالی بیشتر، به عنوان یک تقصیر عمدی^۱ و یک نقض عامدانه محسوب می‌شود. علاوه بر این، وی در رابطه با پرونده حاضر بر این ایده اصرار می‌ورزد که دادن عنوان عامدانه به چنین نقضی باعث ورود رژیم حقوق تورت به حوزه حقوق قراردادها نمی‌شود. عامدانه بودن نقض موجب «غیر قراردادی شدن» چنین نقضی نمی‌شود (Terre et.al, 2019: 786). این اظهارنظر درواقع در رد ادعای نویسنده‌گانی است که مبنای استثنای ماده ۱۲۳۱ قانون مدنی (قابلیت مطالبه خسارات غیرقابل پیش‌بینی در موارد نقض عامدانه) را تبدیل شدن مسئولیت قراردادی به مسئولیت قهری می‌دانند. به اعتقاد ایشان وقتی متوجه عمدًا قرارداد را نقض می‌کند در حقیقت وجود قرارداد را نادیده می‌گیرد و رابطه او با طرف دیگر همانند رابطه عامل زیان شبه جرمی است که به عمد موجب ایراد زیان به دیگری می‌شود و طبق عقیده غالب در حقوق فرانسه، در مسئولیت‌های غیر قراردادی خسارات غیرقابل پیش‌بینی هم قابل مطالبه هستند (Safai & Rahimi, 2012:110).

۲-۳. پرونده شرکت هواپیمایی

این پرونده در رابطه با سه نفر از اعضای یک سازمان تخصصی مراقبت‌های پزشکی بود که برنامه‌ریزی کرده بودند در تاریخ ۱۰ جولای ۱۹۸۸ از طریق بروکسل به کشور آفریقایی گابن جهت عقد قرارداد با مقام‌های گابنی پرواز کنند. آن‌ها تأییدیه آژانس مسافرتی برای سوارشدن به هواپیما را دریافت کرده بودند، اما وقتی به فرودگاه رسیدند از سوارشدن آن‌ها به هواپیما جلوگیری شد به دلیل اینکه ظرفیت پرواز مربوطه به خاطر فروش بلیت بیش از ظرفیت، تکمیل شده بود. این سه نفر نهایتاً به فرودگاه رویسی^۲ در نزدیکی پاریس متقل شده و نهایتاً از آنجا عازم گابن شدند و با تأخیر یکروزه به مقصد رسیدند. با این حال، میزان‌ها از این تأخیر پیش‌آمده خوشنود نبودند و درنتیجه

1. faute dolosive
2. Roissy

قرار ملاقات را لغو کردند. به این دلیل، آن‌ها دادخواستی را علیه شرکت هواپیمایی تنظیم و در قبال هزینه‌های متحمل شده به خاطر تأخیر و مسافت بی‌ثمر به گابن، از جمله هزینه‌های هتل و غذا و نیز خسارت از دست دادن فرصت انعقاد قرارداد با مقام‌های گابنی، به میزان ۳۰ هزار فرانک فرانسه مطالبه خسارت کردند. شرکت هواپیمایی به فروش بلیت بیش از ظرفیت اذعان داشت اما به عنوان دفاع، به شرط مندرج در شرایط الحقیقی به قرارداد با مسافرین تمسک کرد. در این شرط شرکت هواپیمایی تعهد خود به پرداخت خسارت در قبال نقض قرارداد را به بهای بلیت به اضافه ۵۰ یورو به ازای هر روزی که شرکت به خاطر فروش بلیت بیش از ظرفیت قادر به تدارک پرواز جایگزین نباشد، محدود کرده بود.

تصمیم دادگاه این بود که شرکت هواپیمایی، با ناتوانی خود در دادن این اطمینان به مسافرین که یک صندلی در هواپیما خواهند داشت، مرتکب نقض عامدانه قرارداد شده است (Rowan, 2012: 203). به عقیده دادگاه، شرکت هواپیمایی در حقیقت با آگاهی کامل از این خطر که نمی‌تواند تضمین کند تمامی مسافرین قادر به سوارشدن به هواپیما خواهند بود، دست به یک انتخاب حساب و کتابشده و تدبیرگرایانه زده است.^۱ چنین انتخابی شاید بر اساس ملاحظات مالی به لحاظ داخلی برای شرکت موجه باشد، اما انتخابی است که با منافع و انتظارات مشروع و قانونی مسافرین در تعارض است. بر این اساس، این رفتار یک نقض عامدانه قرارداد به حساب می‌آید که درنتیجه آن شرکت هواپیمایی نمی‌تواند به شرط تحدید مسئولیت موردنظر استناد کند. درنتیجه دادگاه به پرداخت خسارات کامل حکم داد (Rowan, 2012: 203).

این پرونده، نمونه‌ای صریح از موقعیتی است که در آن عامدانه بودن نقض در ارزیابی دامنه یک شیوه جبران قراردادی (پرداخت خسارت) دخیل و اثرگذار است. این پرونده همچنین نشان می‌دهد که چگونه می‌توان در قبال نقض عامدانه قرارداد به

1. Paris, 15 sept. 1992: D. 1993, 98

نحو مناسب از طریق افزایش میزان خسارات قابل پرداخت واکنش نشان داد بدون نیاز به تغییر و تحول اساسی در کل سیستم خسارات قراردادی از طریق داخل کردن دسته‌هایی از خسارات- از قبیل خسارات تنبیه‌ی- که به‌طور سامانمند هرگز داخل حوزه قراردادی نبوده‌اند.

پرونده فروش بليت ييش از ظرفيت باعث ايجاد مناظرات و مباحثاتي راجع به تأثير درجه تقصير بر در دسترس بودن و دامنه خسارات قابل مطالبه در حقوق فرانسه شده است. دلِك^۱ معتقد است که توجه به برخی ملاحظات در اين رابطه ضروري است، زира اين پرونده در حوزه حقوق حمل و نقل است. در حوزه حقوق حمل و نقل در حقوق فرانسه، ايده «قصير غيروجه»^۲ نيز ايفاي نقش مي‌كند. وي تلاش مي‌كند تا تقصير غيروجه را بين تقصير عمدى و تقصير سنگين جاي دهد.^۳ علاوه بر اين، وي همچنين به «قصير فرصت طلبانه»^۴ اشاره مي‌كند که باز مي‌تواند بين تقصير عمدى و تقصير سنگين قرار گيرد؛ اما روشن نيشت که آيا اين موضوع در مورد ماده ۱۱۵۰ قانون مدنى نيز صادر است يا خير. در اين چارچوب، مفهوم تقصير غيروجه ممکن است از ارزش افزوده‌ای برخوردار باشد، زира قصد ايراد خسارت به عنوان شرط تحقق نقض عمدى، اعمال اين اصطلاح را محدود مي‌كند اما تقصير غيروجه مقيد به اين عنصر نيشت. وقتی طرفی که مرتکب تقصير مي‌شود اين خطر اساسی را به جان می‌خرد که طرف زيانديده متتحمل خسارت شود، همين امر برای غيروجه شدن يك تقصير كفايت مي‌كند. اينکه تقصير فرصت طلبانه کمابيش با تقصير غيروجه مشابه و متراffد است اين ايده را روشن مي‌كند که طرفی که مرتکب تقصير فرصت طلبانه مي‌شود تحصيل يك نفع مالي به زيان طرف زيانديده را مدنظر قرار مي‌دهد و قصد ايراد زيان شرط نيشت، درحالی که شدت نقض في نفسه برای غيروجه محسوب شدن تقصير

1. Délébecque

2. faute inexcusable

3. Paris, 15 sept. 1992: D. 1993, 98. Note Délébecque.

4. faute lucrative

کفایت می کند (Terre et.al, 2019: 900-902). طرفی که مرتكب یک نقض غیرموجه می شود به صورت خودآگاه خطر ایراد زیان بر طرف بی گناه را مدنظر قرار می دهد و از سوی دیگر، این شخص به دلایل دیگر و اغلب دلایل خودخواهانه به طور عامدانه مرتكب نقض قرارداد می شود.

در حالی که حقوق حمل و نقل - بهویژه حقوق حمل و نقل دریایی و هوایی - ممکن است از نوع میانی تقصیر یعنی تقصیر غیرموجه بهره ببرد، زیرا این شعبه از حقوق آثار جبرانی بخصوصی برای چنین «قصیرهایی» قائل است، اما در حقوق مدنی در چارچوب ماده ۱۱۵۰ قانون مدنی و پس از تصمیم دیوان عالی در سال ۱۹۶۹ استفاده از این نوع میانی به نظر ضروری نیست.^۱ مطابق این تصمیم، قلمرو «dol» چنانکه گذشت توسعه یافته و این اصطلاح عملاً شامل تقصیر غیرموجه و تقصیر فرصت طلبانه نیز می شود.

۳. استاد حقوقی بین المللی

چنانکه دیدیم، حقوق فرانسه یکی از نظامهای حقوقی موجود است که در آن عامدانه بودن نقض به صراحة در ارزیابی نوع زیان و نیز سطح خسارات ایفای نقش می کند. گرچه به دلیل کم بودن حجم آرای قضایی در این رابطه، ارزیابی ارزش عملی این مقرره چندان آسان نیست، اما تدوین کنندگان استنادی مانند *PECL* و *DCFR* گنجاندن یک مقرره مشابه با ماده ۱۲۳۱ قانون مدنی فرانسه را ضروری دانسته اند. چنانکه پیشتر دیدیم، ماده ۷۴ کنوانسیون وین نیز صراحةً قابلیت پیش بینی خسارات را به عنوان یک شرط اصلی برای مطالبه خسارات ناشی از نقض به رسمیت شناخته، اما فاقد هرگونه حکمی در رابطه با عامدانه بودن نقض قرارداد و تأثیر آن در قابلیت مطالبه زیان های پیش بینی نشده است (Saidov, 2008: 111; Shoarian, 2021: 855).

1. Civ. I 4 February 1969, D. 1969, 601 note J. Mazeaud.

2. در اصول یونیدغوا نیز هر چند قاعده قابلیت پیش بینی صریحاً آمده است اما در اینجا نیز به استثنای قابلیت مطالبه خسارات غیرقابل پیش بینی در موارد نقض عامدانه قرارداد اشاره نشده است.

عامدانه یا غیرعمدی بودن نقض قرارداد تأثیری در میزان خسارات قابل مطالبه ندارد. به نظر می‌رسد کنوانسیون در این رابطه از رویکرد کامن‌لایی تعیت کرده، زیرا در این نظام حقوقی خسارات قراردادی قابل مطالبه در تمام موارد-خواه نقض عامدانه باشد یا غیرعمدی- محدود به خسارات قابل پیش‌بینی است.^۱

اما ماده ۹:۵۰۳ پی‌ای‌سی‌ال چنین مقرر داشته است: «طرف ناقض تنها در قبال زیانی که در زمان انعقاد قرارداد به عنوان نتیجه احتمالی عدم اجرا پیش‌بینی می‌کرده یا قادر بوده که به طور متعارف پیش‌بینی کند، مسئول است، مگر اینکه نقض قرارداد عامدانه بوده یا با تقصیر سنگین همراه باشد».

ماده III.3:703 دی‌سی‌اف آر نیز بیان می‌دارد: «مدیون در تعهدی که از یک قرارداد یا سایر اعمال قراردادی ناشی می‌شود تنها در قبال زیانی که در زمان انعقاد قرارداد هنگام بر عهده گرفتن آن تعهد، به عنوان نتیجه محتمل عدم اجرا پیش‌بینی می‌کرده یا انتظار می‌رفته که پیش‌بینی کند، مسئول است، مگر اینکه عدم اجرا عامدانه، از روی بی‌اعتنایی یا همراه با تقصیر سنگین باشد».

در هر دو مقرره فوق، قابلیت پیش‌بینی خسارت به عنوان قاعده عمومی قابل اعمال وجود دارد اما در صورت عامدانه بودن نقض از این قاعده عدول می‌شود. علاوه بر این، ذکر این نکته جالب توجه است که برخلاف حقوق فرانسه، PECL و DCFR حاوی مقرراتی نیستند که خسارات را به پیامدهای بلافصل و مستقیم نقض عامدانه محدود کند. هر دوی این مقررات پاسخی صریح برای پرسش کلیدی این پژوهش به دست می‌دهند که آیا نقض عامدانه قرارداد در مقایسه با نقض «عادی» می‌تواند منجر به میزان بالاتری از خسارات جبرانی شود؟ در این مقررات، قصد و انگیزه طرف ناقض با شرط «قابلیت پیش‌بینی» خسارات پیوند خورده است. زیان‌های قابل پیش‌بینی در تمامی

۱. با وجود این برخی نویسنده‌گان کامن‌لایی پیشنهاد کرده‌اند که مسئولیت پرداخت خسارت ناشی از نقض عامدانه قرارداد، در برگیرنده زیان‌های غیرقابل پیش‌بینی نیز باشد. برای مثال بنگرید: (Corbin, 1964: no 1008).

موارد نقض قرارداد قابل مطالبه‌اند؛ اما در مواردی که نقض قرارداد عامدانه باشد، زیان‌های غیرقابل‌پیش‌بینی نیز قابل مطالبه خواهند بود. علاوه بر این، این مقررات نه تنها به عدم اجرای عامدانه اشاره می‌کنند، بلکه عدم اجرای همراه با بی‌اعتنایی و تقصیر سنگین را نیز مورداً اشاره قرار می‌دهند. ترسیم و تبیین وجه تمایز دقیق بین این سه اصطلاح البته دشوار است.

در چارچوب *DCFR*، متعهدله صرفاً می‌تواند خسارات جبران‌کننده را در قبال نقض قرارداد مطالبه کند.^۱ بنابراین، زیان‌های غیرقابل‌پیش‌بینی که در موقعیت‌های نقض عادی قابل مطالبه نیستند بایستی به عنوان بخشی از خسارات جبرانی مطالبه شوند. نقض عامدانه قرارداد در قیاس با نقض «عادی» باعث دسترسی به میزان بالاتری از خسارات جبرانی می‌شود.

شرح و تفاسیر مربوطه نیز مثال بدیعی را برای بیان نقش بالقوه قصد در حکم به خسارات ارائه می‌کنند (Von Bar et.al, 2009: 930). الف باب برای احداث سکوهايي برای يك نمایشگاه بزرگ که در آن شرکت‌های پیشرو در عرصه لوازم الکترونیک ابزارهای خود را به نمایش می‌گذارند، قراردادی منعقد می‌کند. چند روز پیش از افتتاح نمایشگاه الف يك افزایش اساسی در ثمن قرارداد را مطالبه می‌کند و از تکمیل سکوها امتناع می‌کند. «ب» درنتیجه عدم تکمیل سکوها نه تنها از سود معتبرانه محروم می‌شود بلکه با يك دعواي مسئوليت سنگين از سوي «ج» مواجه می‌شود که با «ب» برای به نمایش گذاردن يك ابزار جديد قرارداد بسته و درصورتی که نتواند آن را در نمایشگاه عرضه کند متحمل زيان‌های فراوانی خواهد شد. به هر روی الف از ادامه کار دست می‌کشد. در چنین موردی الف در قبال زيان‌های غیرقابل‌پیش‌بینی برای مثال در قبال

۱. ماده ۳:۷۰۲ دی‌سی‌اف‌آر می‌گوید: «معیار اصلی پرداخت خسارت در قبال زيان ناشی از عدم اجرای يك تعهد مبلغی است که متعهد له را در حد امکان در همان وضعیتی قرار دهد که اگر تعهد موردنظر به درستی اجرا می‌شد در آن وضعیت قرار می‌گرفت. چنین خساراتی زيان‌های وارده بر متعهد له و منافعی که از آن‌ها محروم شده است را پوشش می‌دهد».

پیامدهای مالی دعواهای مسئولیت اقامه شده توسط ج نیز مسئول است، زیرا نقض قرارداد بهوسیله «الف» عامدانه بوده است. اینکه «ب» در رابطه با قرارداد خود با «ج» به «الف» چیزی گفته باشد یا نه از این جهت اهمیتی ندارد. خطر چنین زیان‌های علی‌حده به دلیل عامدانه بودن نقض، همواره به سمت «الف» سوق پیدا می‌کند.

پیشرفت‌های صورت گرفته در حوزه حقوق خصوصی مشترک در اروپا که منجر به تدوین سند دی‌سی‌اف آر شد، بیانگر لزوم توجه به قصد و انگیزه طرف ناقض در ارتکاب نقض و درنتیجه تشدید مسئولیت قراردادی او در موارد نقض عامدانه از طریق الغای شرط قابل پیش‌بینی بودن خسارات است. از این منظر می‌توان این سند را گامی روبروی جلو برای شناسایی رسمی اثرگذاری قواعد اخلاقی در حوزه حقوق قراردادها دانست.

۴. تأثیر نقض عامدانه بر تشدید مسئولیت مدنی در فقه و حقوق ایران

برخلاف قانون مدنی فرانسه، قانون مدنی ایران فاقد حکم صریحی برای اعتبار شرط قابلیت پیش‌بینی ضرر است. با این وجود، مؤلفان حقوق مدنی با تفسیر برخی از مواد قانون یادشده برای تأیید تلویحی این شرط در مسئولیت قراردادی استفاده کرده‌اند. مهم‌ترین ماده قانونی که اینان برای اثبات ادعای خویش مستند قرار داده‌اند، ماده ۲۲۱ این‌قانون مدنی است که می‌گوید: «اگر کسی تعهد اقدام به امری کند یا تعهد نماید که از انجام امری خودداری کند، در صورت تخلف مسئول خسارت طرف مقابل است مشروط بر اینکه جبران خسارت تصریح شده یا تعهد عرفاً به منزله تصریح باشد یا بر حسب قانون موجب ضمان باشد».

این نویسنده‌گان از شرط مذکور در قسمت دوم این ماده (تعهد عرفاً به منزله تصریح باشد...) استنباط کرده‌اند که مسئولیت قراردادی محدود به خساراتی است که قابل پیش‌بینی و در قلمرو انتظار متعاقدين باشد (Emami, 2012: 240; Katouzian, 2018: 226; Shahidi, 2013: 79 & 252; Safai, 2020: 238; Jafari Langroudi, 1999: 309; Amiri 2010: 246). در حقیقت خسارات غیرمتعارف که عرفاً در زمان

انعقاد عقد قابل پیش‌بینی نیستند، اصولاً نمی‌توانند مورد مطالبه قرار گیرند (Safai & Rahimi, 2012: 110).

دقت در متن ماده ۲۲۱ بیانگر این است که لحن این ماده در مقام بیان منابع ایجاد اصل مسئولیت قراردادی است و نه حدود و تغور چنین مسئولیتی؛ به عبارت دیگر، ماده فوق حاکی از این است که اصل مسئولیت ممکن است ناشی از تصریح متعاقدين، عرف یا حکم قانون باشد، اما اینکه محدوده این مسئولیت تا کجاست و میزان خسارات قابل مطالبه تا چه حد است، بیانی ندارد.

اما اینکه برخی از مؤلفان، مبنای این قاعده را حاکمیت اراده متعاقدين در زمان اعقد عقد دانسته‌اند نیز به نظر می‌رسد دور از واقعیت باشد، زیرا انتساب مسئولیت جبران خسارت ناشی از نقض قرارداد به اراده متعاقدين مستلزم این است که تکلیف طرف ناقض به جبران خسارات طرف دیگر را ادامه و بدل تعهد اصلی قرارداد و در زمرة تعهدات قراردادی بدانیم. حال آنکه متعاقدين در هنگام عقد بستن، اصولاً به اجرای آن می‌اندیشند نه به تبعات ناشی از نقض احتمالی قرارداد و الزام حاصل از نقض قرارداد را نمی‌توان به‌آسانی به اراده ایشان متسب کرد. مسئولیت طرف ناقض در جبران خسارات زیان دیده، وابسته به عقد و بدل تعهد اصلی نیست بلکه الزامی است که از واقعه نقض به وجود می‌آید.

باین حال، همانند اغلب کشورهای نظام حقوق نوشه که معیار قابلیت پیش‌بینی خسارت یا قواعدی مشابه را برای تحدید و تضیيق گستره خسارات قابل مطالبه مورد اتخاذ قرار داده‌اند، تردیدی نیست که در حقوق ایران نیز این قاعده که زیان‌های دور از انتظار و غیرقابل پیش‌بینی در قلمرو مسئولیت قراردادی جای نمی‌گیرند، مورد پذیرش قاطبه حقوقدانان قرار گرفته است.

اما در رابطه با مهم‌ترین استثنای این قاعده - امکان مطالبه خسارات غیرقابل پیش‌بینی در موارد نقض عاملانه - همانند اصل این قاعده نمی‌توان نص صریح یا اشاره ضمنی در مواد قانونی یافت. حتی برخی نویسنده‌گان که جریان اصل قاعده در

حقوق ایران را پذیرفته‌اند، استثنای مذکور را با دیده انکار و تردید نگریسته‌اند. ایشان معتقدند در محدود بودن خسارات قابل مطالبه به خسارات قابل پیش‌بینی تفاوتی بین عامدانه یا غیرعمدی بودن نقض قرارداد وجود ندارد (Shahidi, 2013: 80). بر اساس دیدگاه ایشان، وقتی متعهد در هنگام انعقاد عقد محدود بودن مسئولیت بالقوه خود به تبعات قابل پیش‌بینی نقض را می‌پذیرد، دیگر ملتزم دانستن وی به تبعات غیرقابل پیش‌بینی که خارج از اراده وی بوده‌اند، محمولی ندارد حتی اگر عمداً مرتکب نقض قرارداد شود.

در مقابل دیدگاه فوق، برخی مؤلفان معتقدند: در موارد نقض غیرعمدی به دلیل فقدان رابطه سببیت عرفی بین نقض و زیان‌های غیرقابل پیش‌بینی، امکان مطالبه این‌گونه خسارات وجود ندارد؛ اما عامدانه بودن نقض موجب می‌شود رابطه سببیت عرفی بین نقض قرارداد و خسارات غیرقابل پیش‌بینی ایجاد شده و درنتیجه این خسارات نیز قابل مطالبه شوند (Ghasemi, 2008: 125)؛ اما توضیح نمی‌دهند که چنین رابطه‌ای چگونه برقرار می‌شود؟ عنصر عامدانه بودن که در حقیقت یک وضعیت ذهنی و درونی از طرف ناقض است چگونه می‌تواند رابطه سببیت بین نقض و زیان‌های غیرقابل پیش‌بینی ناشی از آن را به وجود بیاورد؟ علاوه بر آن، نویسنده مذکور مبنای مطالبه خسارات ناشی از نقض را رابطه سببیت عرفی می‌داند و قابل مطالبه نبودن زیان‌های غیرقابل پیش‌بینی در موارد نقض عادی را بر اساس عدم وجود این رابطه توجیه می‌کند. در نقد آن باید گفت وقتی به دلیل عدم وجود رابطه سببیت عرفی بین نقض و خسارات غیرقابل پیش‌بینی به عدم امکان مطالبه آن‌ها در موضع نقض‌های غیرعمدی حکم کردیم، دیگر نمی‌توان قابلیت مطالبه خسارات غیرقابل پیش‌بینی در موارد نقض عامدانه را باز بر همان مبنای سببیت عرفی توجیه کرد بلکه برای توجیه این موارد نیاز به مبنای دیگری داریم.

به نظر می‌رسد، علاوه بر مستندات قانونی و تحلیل‌های حقوقی فوق الذکر، قابل مطالبه شدن خسارات غیرقابل پیش‌بینی در موارد نقض عامدانه قرارداد از سوی

قانون گذاران مبنا و توجیه نظری و اخلاقی نیز دارد و باید آن را از مصاديق تأثیر قواعد اخلاقی بر حقوق تلقی نمود (Rowan, 2012: 203). هرچند قلمرو قواعد اخلاقی و حقوقی کاملاً بر هم منطبق نیست (Katouzian, 2006: 577) اما بی تردید در بسیاری از حوزه‌ها، حقوق نیز به قصد و انگیزه شخص بی توجه نیست. به لحاظ اخلاقی بین درجه قبح یک رفتار ناهنجار و قابل سرزنش بودن مرتكب آن، تناسب وجود دارد: شخصی که عمدتاً مرتكب یک ناهنجاری می‌شود در مقایسه با شخص غیر عامل، سزاوار مكافات بیشتری است. در حوزه ضمانت اجرای تخلف از مفاد تعهد نیز قضیه دقیقاً از همین قرار است: هرچه درجه تقصیر طرف ناقض شدیدتر باشد، گستره مسئولیت وی نیز گسترده‌تر می‌شود. وقتی یکی از متعاقدين عاملانه از اجرای تعهدش امتناع می‌کند، درواقع مرتكب شدیدترین درجه از تقصیر قراردادی شده و لذا به همان تناسب مسئولیت قراردادی او نیز افزایش می‌یابد (Mazeaud et. Chabas, 1998: 2376). در حقیقت، هنجارشکنی ناشی از نقض عاملانه قرارداد چنان شدید است که متعهد ناقض بایستی از حمایت قانونی محروم بماند و بر همین اساس، معافیت قانونی عدم لزوم پرداخت خسارات غیرقابل پیش‌بینی شامل حال وی نمی‌شود (Starck, et. Boyer, 1995: 1446-1449). از سوی دیگر، نقض عاملانه قرارداد که به معنای اضرار عمدی به طرف قرارداد است، با نظم عمومی نیز مغایر بوده و لذا بایستی مورد منع و بازدارندگی قرار گیرد (Katouzian, 2018: 159-160) و این مقصود جزء تشدید مسئولیت ناقض عامل محقق نمی‌شود.

بنابراین، می‌توان گفت قابل مطالبه شدن خسارات غیرقابل پیش‌بینی در موقعیت‌های نقض عاملانه، به نوعی تنبیه ناقض عامل به خاطر ارتکاب تقصیر قراردادی عمدی است. پس گزارف نیست اگر بگوییم خسارات غیرقابل پیش‌بینی از ماهیت سزاده‌ی برخوردارند. بر همین اساس، شرط قابلیت پیش‌بینی برای امکان مطالبه خسارات متوقع که ماهیت جبرانی دارند موجه است، اما این شرط نمی‌تواند به عنوان تحديدي برای مطالبه خسارات غیرقابل پیش‌بینی که ماهیت سزاده‌ی دارند عمل کند.

بالاین‌همه، باید اذعان داشت که در حقوق ایران و فقه امامیه، نص صریح و عامی در رابطه با تشدید مسئولیت طرف ناقض در موقعیت‌های نقض عامدانه وجود ندارد، اما برخی فروعات فقهی و قانونی چه در حوزه نقض قرارداد و چه ضمان قهری وجود دارد که همگی حاکی از تشدید ضمان خطاکار عامل هستند و شاید بتوان با تدقیق مناط آن‌ها در مسئولیت‌های قراردادی نیز سود جست.

۱-۴. غصب و فروعات مشابه

غضب مصدق بارز خطاکاری عامدانه است. تحلیل این نهاد بیانگر این است که عمدی بودن رفتار ناهنجار غاصب در اتخاذ ضمانت اجرای آن نقش مهمی ایفا می‌کند. چنانکه فقهاء گفته‌اند، جوهره غصب را عدوان تشکیل می‌دهد (Allama Helli, 1992: 222 & 151) و از کلمات فقهاء استنباط می‌شود که عدوان هنگامی صدق می‌کند که مرتكب دارای عمد و سوءنیت باشد (Mohaqqeq Karaki, 1993: 208; Shahid Thani, 2004: 148). درواقع غاصب با علم به تعلق مال به دیگری، عمدتاً بر آن مسلط می‌شود (Emami, 2012: 424). فُبح عقلی و اخلاقی غصب باعث شده فقهاء غاصب را مستحق شدیدترین عکس العمل بدانند. لزوم اتخاذ شدت عمل در قبال غاصب با عبارات مختلفی بیان شده است، از قبیل: «إِنَّ الْغَاصِبَ يُؤْخَذُ بِأَشْقَى الْأَحْوَالِ» (Kazemi Tostari, 1947: 10 و 1904: 131; Najafi, 1975: 161)، «الْغَاصِبُ عَلَى أَشَدِ الْأَحْوَالِ» (Amoli, 1964: 324)، «الْغَاصِبُ بِأَخْسَى الْأَطْوَارِ» (Gilani, 1992: 260 & 298; Khoei, 1964: 324). این شدت ضمانت اجرا در قبال خطای عامدانه، در تشدید مسئولیت غاصب متجلی می‌شود. بر این اساس، مسئولیت غاصب برخلاف مسئولیت مدنی به معنای خاص، از نوع مسئولیت مطلق است و نیازی به تحقق تقصیر و رابطه سبیت ندارد (Safai & Rahimi, 2012: 37). به همین دلیل، هرگونه خسارتی که در مدت غصب بر مال مغصوب وارد شود، حتی اگر متناسب به فعل غاصب و از دید او قابل پیش‌بینی نباشد، مسئولیت آن بر

عهده شخص غاصب است.^۱ نمونه دیگر از تشدید مسئولیت، ضمان غاصب نسبت به منافع مستوففات و غیر مستوففات مال مخصوص است (Sabzwari, 1992: 146).^۲ علاوه بر غصب، فروعات فقهی دیگری از قبیل غش، تدلیس، نجش و غرور، وجود دارند که جوهره آن‌ها را تعمد و سوءنیت تشکیل می‌دهد و درواقع وجود این عناصر در عنوانین مذکور موجب ایجاد یا تشدید ضمان مرتكب می‌شود (Deilami, 2009: 282).

از سوی دیگر، با توجه به اینکه در فقه مرز مشخصی بین مسئولیت قراردادی و قهری وجود نداشته (Katouzian, 2018: 225; Safai, 2020: 237; Barikloo, 2008: 31) بلکه تمرکز فقها به طورکلی بر ضمان و جبران زیان است و با اتخاذ ملاک از فروعات فوق که همانا منع اباhe اضرار عمدى باهدف کلانتر پيشگيري از اخلال در نظم عمومى است، می‌توان گفت دليلي وجود ندارد که تشدید مسئولیت در قبال خطاکاري عامدانه را منحصر در موقعیت‌های ضمان قهری بدانیم زیرا: «حكم الأمثال فى ما يجوز و فى ما لا يجوز، واحد» (Raazi, 1986: 323). بر این اساس، می‌توان گفت تشدید مسئولیت قراردادی ناقض عامد، از طریق حکم به پرداخت خساراتی بیش ازآنچه در قبال نقض‌های غیرعمدی قابل پرداخت است (مانند خسارات غیرقابل پیش‌بینی)، با مبانی فقهی ناسازگاری ندارد.

۴-۲. تبدیل ید

در حوزه نقض تعهدات قراردادی هم مواردی وجود دارد که عامدانه بودن نقض تعهد، ضمانت اجرای شدیدتری به دنبال داشته و موجب تشدید مسئولیت طرف ناقض می‌شود. برای مثال یکی از تعهدات امین این است که با مطالبه مورد امانت از سوی مالک، آن را به وی مسترد کند (Najafi, 1947: 123; Emami, 2012: 277).

حال اگر پس از مطالبه مالک امکان رد وجود داشته باشد اما امین از استرداد آن امتناع کند، در این

۱. ماده ۳۱۵ قانون مدنی.

۲. ماده ۳۲۰ قانون مدنی.

صورت، ید امانی وی تبدیل به ید ضمانت شده و از آن پس در حکم غاصب خواهد بود (Najafi, 1947: 137). در اینجا امتناع عمدی از ایفای تعهد به رد مال امانی که در حقیقت نقض عامدانه آن تعهد است، سبب تشدید مسئولیت امین شده و وی در قبال هر نقص و عیبی در مال ضامن است حتی اگر متسب به فعل وی نباشد.^۱

۴-۳. نظریه تکلیفی بودن عمل به شرط

در رابطه با ضمانت اجرای شرط فعل در ضمن عقد، نظریات فقهی متعددی مطرح شده است. از دیدگاه برخی از فقهای امامیه، وفای به چنین شرطی یک تکلیف شرعی محض و همانند سایر واجبات شرعی، ترک آن حرام است (Sheikh Ansari, 1999: 62). قائلین به این نظریه معتقدند شرط فعل ضمن عقد صرفاً یک تکلیف شرعی با موضوع وجوب متابعت از مفاد آن شرط را، بر عهده مشروط عليه تحمل می‌کند (Sheikh Ansari, 1999: 62) اگر مشروط عليه مفاد شرط را بجای نیاوردن مرتكب فعل حرام شده اما بر این عدم متابعت هیچ حکم وضعی مترتب نیست (Mohaqqeq Damad, 2019: 304). هرچند این نظریه معطوف به شروط ضمن عقد است اما می‌توان گفت در رابطه با تعهدات عقدی اصلی نیز جریان دارد (Maraghi, 2008: 283).^۲

از طرفی مطابق قاعده «التعزير لكل عمل محرم»، حاکم می‌تواند برای تنبیه مرتكب و بازداشتمن دیگران از ارتکاب هر فعل حرامی که برای آن حدی از سوی شارع معین نشده (Sheikh Tusi, 1967: 69; Helli, 1989: 535)، تعزیر مقرر کند (Halabi, 1979: 416). البته عمل حرام مستوجب تعزیر بایستی به نوعی سبب ایجاد مفسدہ در جامعه

۱. مفاد مواد ۶۳۱ و ۳۱۰ قانون مدنی. علاوه بر این‌ها، در برخی موارد قانون‌گذار صراحتاً تخلف عامدانه از مفاد قرارداد را موجب بی‌اعتباری شروط معافیت از مسئولیت دانسته است. برای نمونه بنگرید به ماده ۳۹۱ قانون تجارت و ماده ۱۱۶، بند ۸ ماده ۵۴ و نیز بند ۳ ماده ۱۲۱ قانون دریایی مصوب ۱۳۴۴. یکی دیگر از آثار نقض عامدانه قرارداد این است که مسئولیت ناشی از چنین تقاضی قابل بیمه شدن نیست.

۲. «وقد عرفت أن الشرط ليس ألا كنفس المعاوضة في الإنشاء والإلزام و تسميته شرطاً باعتبار كونه امراً خارجاً مرتبطاً، فحكمه حكم اصل المعاوضة في الإلزام والإجبار».

باشد. علاوه بر این، حاکم اسلامی می‌تواند حتی برای اعمالی که راجع به آن‌ها نهی صریحی از سوی شارع وارد نشده، اما ارتکاب آن‌ها تبعات منفی در جامعه داشته باشد، تعزیر معین کند (Mohaqeq Damad, 1985: 246).

از سویی، محترماتی قابل تعزیرند که شخص عمدآ آن‌ها را مرتكب می‌شود، زیرا تنها در این صورت است که اهداف سزا دهی و بازدارندگی نهاد تعزیر محقق خواهد شد. و گرنه شخصی که سهواً عمل حرامی انجام می‌دهد نه مستحق عقوبت است (لیس علیکم جناح فيما أخطأت به و لیکن ما تعمّدت قلوبکم)^۱ و نه منع و بازدارندگی درباره وی معنی دارد.

نتیجه منطقی مقدمات فوق این است، متعاملی را که عاملانه مرتكب عمل حرامی مثل نقض عقد می‌شود، می‌توان از باب تعزیر به پرداخت جریمه محکوم نمود، زیرا عدم اتخاذ واکنش متناسب در قبال نقض‌های عاملانه، موجب اباشه اضرار عمدی است و اضرار عمدی سبب مفسدہ بزرگی مثل اخلال در نظم عمومی جامعه می‌شود (Katouzian, 2018: 160). درواقع چنین جریمه‌ای همانند حکم به خسارات غیرقابل‌پیش‌بینی، واکنشی قانونی به جنبه عاملانه بودن خطاكاري طرف ناقض و تشید ضمان اوست.

۴-۴. قاعده ملازمه حکم عقل و شرع

یکی از منابع اجتهاد در فقه اسلامی حکم مستقل عقل است (Mohaqeq Damad, 1993: 115)؛ به این معنا که وقتی عقل از راه برهان به چیزی حکم می‌کند، بی‌تردد چنین حکمی مورد قبول شارع که جزء عقلا و رئیس آن‌هاست، نیز هست (Shahid Sadr, 2002: 428).

تردیدی نیست که به لحاظ عقلی خطای عمدی از قبح بیشتری نسبت به خطای غیر عمد برخوردار است و هرچه قبح خطایی بیشتر باشد، عقوبت و سزای آن نیز

۱. احزاب، آیه ۵

بایستی بیشتر باشد. نتیجه اینکه خطاکاری عمدی بایستی از عقوبت بیشتری نسبت به خطای غیرعمدی برخوردار باشد و به حکم عقل برخورد یکسان با خطاکاری عمدی و غیرعمدی، قبیح است. شکی نیست که اخلاق، عرف خردمندان و ندای وجودان نیز چنین حکمی را تأیید می‌کند. از طرفی بر اساس قاعده «کلما حکم به العقل، حکم به الشرع»، باید گفت شرع نیز این نتیجه عقلی را می‌پذیرد. پس از دیدگاه شرعی نیز تشدید ضمان در قبال خطاکاری‌های عامدانه از جمله نقض عامدانه قرارداد، با منع و ردعی مواجه نیست.

سخن نهایی اینکه در نظام‌های حقوقی مختلف برای نیل به هدف بازدارندگی از ارتکاب نقض عامدانه، ابزارها و ضمانت اجراهای قانونی خاصی اندیشیده شده^۱ که یکی از آن‌ها تشدید مسئولیت طرف ناقض از طریق قابل مطالبه شدن خسارات غیرقابل‌پیش‌بینی است؛ اما بی‌تردید یکی از کاستی‌های نظام جبران‌های قراردادی ایران بی‌توجهی به نوع و شدت نقض قرارداد و عدم اتخاذ ضمانت اجرای متناسب در قبال آن است؛ بنابراین، بهجاست که قانون‌گذار نخست، صراحتاً به تمایز نقض عامدانه قرارداد از نقض‌های غیرعمدی تصریح کرده و دوم، در موقعیت‌های نقض عامدانه، امکان مطالبه خسارات غیرقابل‌پیش‌بینی را به رسمیت بشناسد. این رویکرد چنانکه دیدیم، با مبانی فقهی نیز مغایرتی ندارد.

پژوهشی مطالعات اسلامی و علوم انسانی

فرجام سخن

نقض قرارداد ممکن است عامدانه یا غیرعمدی باشد. در نظام‌های حقوقی مختلف، برای نقض عامدانه قرارداد که شدیدترین نوع نقض است، به دلیل شدت تقصیر و خطاکاری متعهد آثار منحصر به فردی شناخته شده است. بر اساس نتایج این پژوهش،

1. برای دیدن برخی از این ضمانت اجراهای بنگرید: Rezaei, Abdipourfard & Nematollahi, 2017: 141-.(154)

الغای شرط قابلیت پیش‌بینی خسارات در موقعیت‌های نقض عامدانه قرارداد، یکی از مهم‌ترین و کاربردی‌ترین مصادیق تشدید مسئولیت قراردادی متعهد در صورت نقض عامدانه قرارداد در نظام‌های حقوقی ملی و استناد حقوقی بین‌المللی است.

در حقوق فرانسه تا پیش از اصلاح مقررات حوزه تعهدات قراردادی در سال ۲۰۱۶، ماده ۱۱۵۰ قانون مدنی سابق به قابل مطالبه بودن خسارات غیرقابل‌پیش‌بینی در قبال نقض عامدانه تصريح داشت. در مقررات اصلاحی (ماده ۱۲۳۱-۳) نیز قانون‌گذار نه تنها بر مقرره سابق صحه گذارد، بلکه دامنه آن را با تسری حکم به تقسیرهای سنگین، گسترش داد. در استناد حقوقی مربوط به حقوق خصوصی (دی‌سی‌اف‌آر ماده ۷۰۳:III.3) و حقوق قراردادها به‌طور خاص (پی‌ای‌سی‌آل ماده ۹:۵۰۳) نیز عامدانه بودن نقض قرارداد به عنوان عاملی برای کثار گذاشتن شرط قابلیت پیش‌بینی پذیرفته شده است.

بی‌تردید قابل مطالبه بودن زیان‌های غیرقابل‌پیش‌بینی در موقعیت‌های نقض عامدانه، به معنای تشدید مسئولیت مدنی قراردادی متعهد در قبال خطاكاري عامدانه اوست که بر پایه‌های اخلاقی استوار است. در حقوق ایران و فقه امامیه نیز هرچند نص عامی در این رابطه وجود ندارد، اما برخی فروعات قانونی و فقهی بیانگر لزوم تشدید ضمان و مسئولیت خطاكار عامل در حوزه نقض قرارداد همانند حوزه ضمان قهری است.

References

- Akhlaghi, B. (2017). *Principles of International Commercial Contracts*, Tehran: Shahr Danesh [In Persian].
- Allama Helli (1992). *Qawa'id al-Ahkam*, Vol. 2, Qom: Islamic Publication Institute [in Arabic].
- Amiri Ghaem-maqami, A. M. (2010). *Law of Obligations*, Tehran: Mizan [in Persian].
- Amoli, M. H. (1975). *Majma` al-Afkar*, Qom: The Scientific Press [in Arabic].
- Auber, J. et Dutilleul, F. (2011). *Droit des Obligations*, translated by Majid Adib, Tehran: Mizan [in Persian].



- Babaei, I. (2005). Criticism of the Principle of Compensability for All Damages in Iranian Law, *Public Law Research*, 7(16), 45-83 [in Persian].
- Bahrami-Ahmadi, H. (2018). *Law of Obligations and Contracts*, Tehran: Imam Sadegh University [in Persian].
- Barikloo, A. (2008). *Civil Responsibility*, 2nd ed., Tehran: Mizan [in Persian].
- Burrows, A. (2004). *Remedies for Torts and Breach of Contract*, 3rd ed. Oxford University Press.
- Corbin, A. L. (1964). *Corbin on Contracts*, West Publishing Co.
- Deilmi, A. (2009). *Good faith in civil liability*, Tehran: Majd [in Persian].
- Emami, S. H. (2012). *Civil Law*, Vol.1, 34th ed., Tehran: Islamia [in Persian].
- Ghamami, M. (2008). *Foreseeability of Loss in Civil Liability*, Tehran: Enteshar [in Persian].
- Ghasemi, M. (2009). The Role of Foreseeability of Damages in Contractual and Non-contractual Liability, *International Legal Research*, 3(7), 92-133 [in Persian].
- Gilani, A. (1992). *Jame al-Shatat*, Vol. 2, Tehran: Kayhan [in Persian].
- Halabi, A. S. (1979). *al-Kafi Fi Fiqh*, Isfahan: al-Imam Amir al-Mu'minin publishing [in Arabic].
- Halson, R. & Campbell, D. (2019). *Research Handbook on Remedies in Private Law*, Edward Elgar Publishing.
- Harker, R. (1994). Damages for Breach of Contract: Negative or Positive Interest, *S.Afr. LJ*, 5, 17-32.
- Helli, Ibn Idris (1989). *As-Sara'ir*, Vol.3, 2nd ed., Qom: Islamic Publishing Institute [in Arabic].
- Hutchison, D. (2004). Back to Basics: Reliance Damages for Breach of Contract Revisited, *S.Afr. LJ*, 121, 51-63.
- Jafari Langroudi, M. J. (1999). *Law of Obligations*, Tehran: Ganj Danesh [in Persian].
- Jordain, P. (2013). *Principles of Civil Liability*, translated by Majid Adib, Tehran: Mizan [in Persian].
- Kazemi Tostari, A. (1904). *Maqabes al-Anwar*, Tabriz: Makeneyya Press [in Arabic].
- Katouzian, N. (2018). *General Principles of Contracts*, Vol.4, 6th ed., Tehran: Enteshar [in Persian].



- Katouzian, N. (2008). *Civil Liability*, Tehran: University of Tehran [*in Persian*].
- Katouzian, N. (2006). *Philosophy of Law*, Vol. 1 & 3, 3rd ed., Tehran: Enteshar [*in Persian*].
- Khoei, A. Q. (1964). *Misbah al-Fiqahah*, Vol. 4, Qom: Institute for Revival of Imam Khoei's Works [*in Arabic*].
- Koch, R. (2012). *CISG, CESL, PICC and PECL, in CISG vs. Regional Sales Law Unification with a Focus on the New Common European Sales Law*, Munich: Sellier European Law Publishers.
- Koziol, H. & Wilcox, V. (2009). *Punitive Damages: Common Law and Civil Law Perspectives*, Springer.
- Kötz, H. (2017). *European Contract Law*, Oxford University Press.
- Laure Rassat, M. (1996). *Civil Responsibility*, translated by Mohammad Ashtari, Tehran: Hoghoghdan [*in Persian*].
- Le Tourneau, P. (2010). *Droit de la responsabilité*, Paris: Dalloz.
- Maraghi, A. (2008). *al-Anawin*, Vol.2, 3rd ed., Qom: Islamic Publication Institute [*in Arabic*].
- Markesinis, B. (2006). *The German Law of Contract*, 2nd ed., Hart Publishing.
- Mazeaud, H. & Chabas, F. (1998). *Leçons de droit civil, Obligations, Théorie générale*, 9th edn, Paris: Montchrestien.
- McKendrick, E. (2017). *Contract Law*, 12th ed., Oxford University Press.
- Mohaqqeq Damad, M. (1985). *The Rules of Islamic Jurisprudence*, Vol. 4, Tehran: Islamic Science Publishing Center [*in Persian*].
- Mohaqqeq Damad, M. (1993). *Discussions of the Principles of Jurisprudence*, Vol. 2, 7th ed., Tehran: New thoughts in Islamic sciences [*in Persian*].
- Mohaqqeq Damad, M. (2019). *General Theory of Conditions and Obligations*, Vol. 1, 5th ed., Tehran: Islamic Sciences Publishing Center [*in Persian*].
- Mohaqqeq Helli (1987). *Sharaaye al-Islam*, Vol. 4, 2nd ed., Qom: Ismailian [*in Arabic*].
- Mohaqqeq Karaki (1993). *Jaame al-Maqased*, Vol. 6, 2nd ed., Qom: Alol-Bayt Institute [*in Arabic*].
- Movahed, M.A. (2018). *Summary of Civil Law*, Tehran: Karkameh [*in Persian*].
- Najafi, M.H. (1947). *Jawaher al-Kalaam*, Vols. 27, 37 & 43, 3rd ed., Tehran: Darul Kotob al-Islamiya [*in Arabic*].



- Nematollahi, E. & Rezaei, R. (2021). Specification of Reliance Interest in Western Law and Recognition of Its Instances in Feqh, *Civil Law Knowledge*, 10(2), 79-92 [in Persian].
- Nematollahi, E. (2018). Threefold Interests in Contract Damages, *Comparative Law Research*, 22(3), 163-189 [in Persian].
- Peel, E. & Treitel, G. (2016). *The Law of Contract*, 14th ed., London: Sweet & Maxwell.
- Penadés, J. P. & Velencoso, M. (2015). *European Perspectives on the Common European Sales Law*, Springer.
- Perillo, Joseph M. (2014). *Contracts*, 7th ed., West Academic Publishing.
- Raazi, F. (1986). *Al-Arbaeen Fi Osoul al-Din*, Cairo: al-Azhar Colleges Library [in Arabic].
- Rezaei, R., Abdipourfard, E. & Nematollahi, E. (2017). Intentional Breach of Contract and Its Effect on Compensation for Damages, *Private Law Research*, 7(26), 135-160 [in Persian].
- Rowan, S. (2021). *Comparative Observations on Punishment in Private Law*, Hart Pub.
- Rowan, S. (2012). *Remedies for Breach of Contract, a Comparative Analysis of the Protection of Performance*, Oxford University Press.
- Rowan, S. (2010). *L'introduction des dommages et intérêts punitifs en droit français: étude comparative*, Paris: Société de Législation Comparée.
- Sabzwari, S. A. (1992). *Mohdhab al-Ahkam*, Vol. 19, 4th ed., Qom: Dar al-Tafsir [in Arabic].
- Safai, H. (2020). *General Principles of Contracts*, Vol. 2, 33rd ed., Tehran: Mizan [in Persian].
- Safai, H. (2018). *International Sales Law*, 8th ed., Tehran: Tehran University Press [in Persian].
- Safai, H. & Rahimi, H. (2012). *Civil Liability*, 5th ed., Tehran: Samt [in Persian].
- Saidov, D. (2008). *Law of Damages in International Sales*, Hart Pub.
- Sanhouri, A. (2012). *Law of Obligations*, translated by M. H. Daneshkia & S. M. Dadmarzi, Qom: Qom University [in Persian].
- Schlechtriem, P. & Schwenzer, I. (2016). *Commentary on the UN Convention on the International Sale of Goods ('CISG')*, 4th ed, Oxford University Press.
- Shahid Thani (2004). *Masaalek al-Afham*, Vol. 12, Qom: Islamic Education Foundation [in Arabic].



- Shahid Sadr (2002). *Dorous Fi Elm al-Osoul*, Qom: Majmaul Fekr al-Islami [in Arabic].
- Shahid Sadr (1984). *Bohous Fi Elm al-Osoul*, Vol. 2, Qom: Shahid Sadr Scientific Foundation [in Arabic].
- Shahidi, M. (2013). *Effects of Contracts and Obligations*, 3rd ed., Tehran: Majd [in Persian].
- Sheikh Ansari (1998). *Fara'id al-Osoul*, Vol. 1, Qom: Islamic Education Foundation [in Arabic].
- Sheikh Ansari (1999). *Makaaseb*, Vol. 6, 10th ed., Qom: Islamic Education Foundation [in Arabic].
- Sheikh Tusi (1967). *Mabsoot*, Vol. 8, Tehran: Al-Mortazawiyyah Library [in Arabic].
- Shoarian, E. (2017). *Law of Obligations*, Tehran: Shahr Danesh [in Persian].
- Shoarian, E. (2021). *International Sales Law*, Tehran: Shahr Danesh [in Persian].
- Souleau, I. (1979). *La prévisibilité du dommage contractuel*, Université Paris II.
- Starck, H. & Boyer, L. (1995). *Obligations—Contrats*, 5th edn, Paris: Litec.
- Tafreshi, M. (2013). The Necessity of Predictability of Loss Caused by Breach of Contract in the Convention on the International Sale of Goods and Iranian law, *Business Research Journal*, 29, 53-71 [in Persian].
- Terré, F. & Simler, P. (2019). *Droit civil—Les obligations*, 12th edn, Dalloz, Paris.
- Treitel, G. (1989). *Remedies for Breach of Contract*, Oxford: Clarendon Press.
- Vahdati, H. (2006). *Foundations of Contractual Civil Liability*, Qom: Islamic Science and Culture Research Institute [in Persian].
- Viney, G. & Jourdain, P. (2006). *Traité de droit civil, Les conditions de la responsabilité*, 3rd edn, LGDJ: Paris.
- Von Bar, C., Clive, E. & Schulte-Nölke, H. (2009). *Principles, Definitions and Model Rules of European Private Law, Draft Common Frame of Reference (DCFR)*, Study Group on a European Civil Code, European Law Pub.
- Zimmermann, R. (2014). Limitation of Liability for Damages in European Contract Law, *The Edinburgh Law Review*, 18(2), 193-224.